

جایگاه شهرت در اندیشه محقق اردبیلی

ابوالقاسم یعقوبی

- شهرت، مشهور و اشهر، در مجمع
الفائدة والبرهان محقق اردبیلی بسیار به کار
رفته است. این واژه و اصطلاح در تمام
بحثهای فقهی و مسائل فرعی این مجموعه
ارزشمند، خود را نشان می دهد.
- * مخالفت با مشهور دشوار است .
* شهرت برتری دهنده و تأیید کننده
رفتگی است .
* موافقت با شهرت به احتیاط
نزدیکتر است .
- * همراهی با قول غیر مشهور در
صورت همراه نداشتن، جرأت و
جسارت می طلبد .
- * مخالفت با مشهور، در فرض وجود
دلیل صریح و صحیح، دشوار نیست .
و در رابطه با شهرت عملی نیز
این گونه می گوید:
- * شهرت عملی، جبران کننده
ضعف سند است .
- با سیری کوتاه و نگاهی گذرا به این
اثر ارزشمند محقق اردبیلی، می یابیم که
موضع ایشان در مسأله شهرت یکسان و
هماهنگ نیست . و با تعبیرهای گوناگون
و گاه ناهمگون از آن یاد کرده است :
- مثلاً درباره شهرت فتوایی و کاربرد
و جایگاه آن این تعابیر به چشم
می خورد؛
- * شهرت حجت نیست .

* شهرت عملی نمی تواند جبران کننده سستی سند باشد.

* در مواردی اشکال رجالی و سندی را با شهرت عملی، درخور جبران می داند.

این نوشته، برآن است که کندو کاوی کوتاه در این مسأله داشته باشد، تا جایگاه شهرت و موارد کاربردی آن را در استنباط احکام از دیدگاه محقق اردبیلی بنمایاند و به پاسخی روشن، به برخی از تعبیرهای به ظاهر ناهمگون و ناسازگار این فقیه، در این زمینه دست یابد.

در آغاز، نگاهی داریم به اقسام شهرت و جایگاه هر یک از گونه های آن در فتوا.

اقسام شهرت

شهرت، با یک نگاه کلی و نگرشی فراگیر، به سه بخش تقسیم می شود:

شهرت روایی: منظور از این شهرت، مشهور بودن نقل روایتی است در بین محدثان و راویان که به روزگار حضور نزدیک بوده اند و آن خبر و روایت را فراوان و با واژگان یکسان و یا

گونه گون نقل کرده اند^۱. این گونه از شهرت، در برابر روایتی است که ناقلان آن، اندک و انگشت شمارند که در اصطلاح به آن «نادر شاذ» گفته می شود^۲.

شهرت روایی، در باب برتری دادن آنها (مرجحات) کاربرد و کارآیی دارد، هنگامی که دو خبر با یکدیگر ناسازگارند و یکی از آن دو مشهور باشد، به نظر بسیاری همین شهرت، معیار برتری و پیش داشتن آن بر خبر دیگر می گردد.

بسیاری از فقهاء و اصولیان روایت مرفوعه زرارة: «خذبما اشتهر بین اصحابک»^۳ و مقبوله عمر بن حنظله: «فیؤخذ بالمجمع علیه عند اصحابک»^۴ را بر شهرت روایی برابر کرده اند^۵. در لابه لای کتاب استدلالی محقق اردبیلی نیز، به گونه گذرا به این گونه از شهرت اشاره شده و آن را سبب برتری بر روایات مقابل شمرده است. در پاره ای از موارد، به این تعبیر که اخبار و روایات بسیارند (کثیر) و نمی توان آنها را نادیده انگاشت، به شهرت روایی اشاره می کنند و گاهی نیز، با تعبیر



احادیث دیگر می‌گردد و این است کاربرد شهرت روایی که در مسأله ناسازگاری اخبار از آن سخن می‌رود.

شهرت عملی: این گونه از شهرت، به معنای شهرت یافتن عمل فقها به روایتی است در مقام فتوا که سند آن روشن نیست، مجهول و یا ضعیف هستند.^۸ از شهرت عملی در فقه، در دو محور گفت و گو می‌شود:

۱. آیا شهرت عملی فقها، جبران کننده ضعف سند روایت و یا روایات هست یا خیر؟

۲. آیا روی گردانیدن مشهور از روایتی، گرچه سند آن صحیح باشد، سبب سستی آن می‌شود یا خیر؟ بررسی اقوال فقها نشان می‌دهد که در این مسأله، دو نظر وجود دارد:

برخی عمل مشهور را جبران کننده ضعف سند می‌دانند و روی گردانی مشهور را، موجب سستی آن شمرده‌اند.

برخی در برابر این دیدگاه، بر آنند که: نه عمل مشهور می‌تواند جبران کننده ضعف سند روایت بشود و نه روی

بیشترند (اکثر) از آنها یاد می‌کند. مثلاً در بحث کم و زیادی رکن در نماز که موجب باطل شدن نماز است، چه سهوی باشد و چه عمدی مشهور بر آنند که باید نماز گزار نمازش را از سر بگیرد. ولی شیخ طوسی بر این نظر است نماز گزار در دو رکعت پایانی نماز، رکنی کم و یا زیاد کند و بعد از نماز یادش بیاید، با انجام دادن سجده سهو نمازش تمام است. مستند شیخ طوسی بر این فتوای غیر مشهور، روایتی است که محقق اردبیلی در سند آن خدشه می‌کند و آن گاه می‌نویسد:

«مع المعارضة بالشهر واكثر
والشهرة بين الاصحاب في
الفتوى ...»^۷

افزون بر این، آن روایتها، ناسازگارند با روایات مشهورتر و فراوان‌تر و نیز فتوای مشهور بین فقها.

تعبیر به اکثر، در کنار شهرت فتوایی و همراه با اشهر که احتمال می‌رود شهرت عملی باشد، گویای این نکته است که نقل فراوان یک یا چند حدیث، میزان و معیار برتری آن بر

گردانی آنان، سبب سستی آن. به عقیده این دسته، عمل مشهور تنها معیار درست روایت از جنبه سندی و گویایی آن از جهت دلالتی است.^۹ با بررسی اجمالی سخنان محقق اردبیلی در این زمینه، با سه موضع گیری رو به رو می شویم:

۱. در پاره ای از مسائل، ایشان با روشنی این شهرت را در بوته نقد قرار می دهد و آن را به هیچ روی جبران کننده ضعف سند نمی داند، مثلاً در مسأله چگونگی تخلی، مشهور فقها می گویند باید به گونه ای این کار انجام گیرد که شخص نه رو به قبله باشد و نه پشت به آن. لکن روایات مربوط به این مسأله، از نظر محقق اردبیلی چنان نیستند که بتوان براساس آنها فتوا به حرام بودن پشت به قبله و یا رو به قبله داد؛ زیرا از نظر سند، ناصحیح و از جهت متن ناتمامند. برخی خواسته اند در این مسأله، ضعف روایات را با شهرت جبران کنند و در نتیجه فتوای به حرام بودن را مستدل و مستند سازند، لکن محقق اردبیلی می گوید:

«والجبر بالشبهة غیر مسموع»^{۱۰}.

جبران ضعف سند، به وسیله شهرت، سخنی ناپذیرفتنی است.

* در مسأله غسل مردگان، فقها این فرع را مطرح کرده اند: در نبود مرد و یا زن مسلمان برای غسل دادن مرد و یا زن مسلمانی که مرده است، آیا مرد و یا زن کافر جایز است که مسلمان را غسل دهد یا نه؟

گروهی براساس روایتی، فتوا به جایز بودن داده اند.

محقق اردبیلی می نویسد:

«واما غسل الکافر المسلم او الکافرة المسلمة فدليلة غیر واضح لان الخبر غیر صحیح ولا یسمع الجبر بالشبهة حتی یكون اجماعاً لانه مخالف للأصول، لوجوب النية وعدم تحققها عنه عندهم و^{۱۱}...»

دلیل جایز بودن غسل دادن مرد کافر و زن کافر، مرد و زن مسلمانی را که از دنیا رفته اند، روشن نیست و خبری هم که این فتوا بر آن استوار شده نادرست است و شهرت هم، جبران کننده ضعف سند نیست، مگر به سر حد اجماع برسد. گذشته از این غسل دادن کافر مسلمان را، با



شاید مقصود از دو چاه در این حدیث، همان دو چشمه باشد. و علم نداشتن به درستی سند آن، زیانی به استدلال نمی‌رساند؛ زیرا نادرستی سند و یا ضعف آن، به وسیله شهرت و نبودن مخالف جبران می‌شود.

از این گویاتر و روشن‌تر در این زمینه، تعبیرهای زیر است:

* «ولا یضر عدم صحة السند للتأیید بالشهرة. ۱۴»

* «ولا یضر وجود اسحاق بن عمار مع توثیق غیره للتأیید بالشهرة. ۱۵»

* «وفیه رواية ضعيفة یجبر ضعفها بالشهرة فلا یضر منع المعتبر الاجماع وقدحه فی الروایة بعدم الصحة. ۱۶»

* «... فهو الروایة الضعيفة المنجبرة بالشهرة والعمل... ۱۷»

درباره مقبوله عمر بن حنظله می‌نویسد:

«هذه الروایة مع عدم ظهور صحة سندها... مقبولة عندهم ومضمونها معمول به» ۱۸

و در جای دیگر در همین باره

اصول اسلامی سازگاری ندارد؛ زیرا در غسل نیت لازم است و از کافر نیت در این زمینه عملی نیست ...

بنابراین، از دیدگاه محقق اردبیلی، در مواردی که هیچ‌گونه دلیل روشن و حجتی استوار در مسأله وجود نداشته باشد، جز مسأله شهرت، این شهرت، توانایی جبران ضعف سند و دلیل را ندارد و نمی‌توان بر اساس آن، فتوا داد و حکم صادر کرد.

۲. محقق اردبیلی، در مواردی برخلاف آنچه بدان اشارت کردیم، جبران ضعف و جهل سند را به وسیله شهرت پذیرفته است؛ مثلاً در کتاب احیای موات و در بحث تعیین حریم دو چشمه، روایتی را از عقبه بن خالد از امام باقر (ع) نقل می‌کند:

«آن‌گاه که بین دو چاه زمینهای سخت باشد، پانصد ذراع و اگر زمینهای سست باشد، هزار ذراع باید فاصله باشد.» ۱۲

آن‌گاه در ذیل روایت می‌نویسد:

«لعل البترین محمولان علی العینین، ولا یضر عدم العلم بصحة السند للشهرة وعدم المخالفة.» ۱۳

می نویسد:

«وَيُؤَيِّدُهُ مَقْبُولَةُ عُمَرَ بْنِ حَنْظَلَةَ وَابِي خَدِيجَةَ، فَلَا يَضُرُّ عَدَمَ صَحَّةِ السَّنَدِ لِلْقَبُولِ وَالْجَبْرِ»^{۱۹}.

این عبارتها گواه این معنایند که ایشان، ضعف سند و صحیح نبودن روایت را به وسیله شهرت فتوایی و عملی در خور جبران می داند.

۳. در پاره ای از موارد نیز، با روشنی نظر نمی دهد، ولی با کلمه «لعلّ» و مانند آن، به مسأله جبران ضعف سند به وسیله شهرت اشاره می کند:

* «لَعَلَّهُ يَقُولُونَ مَنْجِبَةً بِالشَّهْرَةِ»^{۲۰}.
* «وَلَعَلَّ الْعَمَلَ بِالرَّوَايَةِ الْمَعْمُولَةِ الْمَنْجِبَةِ بِالشَّهْرَةِ الْعَظِيمَةِ أَوَّلَى»^{۲۱}.
* «وَيُمْكِنُ جَبْرُ ضَعْفِ السَّنَدِ وَالْإِرْسَالِ بِالشَّهْرَةِ وَهُمْ يَفْعَلُونَ ذَلِكَ كَثِيرًا»^{۲۲}.

روی هم رفته، در رابطه با جبران ضعف سند، به وسیله شهرت، ایشان موضع روشن و ثابتی ندارد، گاهی می نویسد: جبران کننده است و گاهی مینویسد جبران کننده نیست و در مواردی هم، جبران را به اصحاب نسبت

می دهد و خود اظهار نظر نمی کند.

از لابه لای کلمات ایشان، شاید بتوان به یک جمع بندی میانه رسید و آن این است: در مواردی که سند ضعیف است، ولی قول و یا عمل مشهور در برابر آن وجود دارد که هماهنگ با اصول وقواعد کلی فقه و برابر با مذاق شریعت و آهنگ کلی دین است، پذیرفتن جبران ضعف سند به وسیله شهرت امکان دارد، لکن در غیر این موارد، پذیرفتن آن دشوار است. از باب نمونه: در مسأله محرمات احرام واجب بودن كفاره بر محرم، فقها این مسأله را مطرح کرده اند که اگر شخصی خود احرام بسته است، عقد نکاح ببندد برای دو نفری که هر دو نیز احرام بسته اند و آن دو، مراحل ازدواج و هم بستری را انجام دهند، كفاره بر عقد کننده و آن دو لازم می شود. دلیل این حکم، موثقه سماعة بن مهران است.

محقق اردبیلی در این باره می نویسد:

«ولكن الحكم في الأصل خلاف الأصل مع بعده وضعف السند بكون سماعة واقفيا وإن كان ثقة فكانهم يقولون بجبره بالشهرة، فينبغي



شهرت هم که حجت نیست و در این گونه موارد نمی تواند ضعف سند را جبران کند، بنابراین فتوا دادن به این حکم [واجب بودن کفاره بر عقد کتندۀ محرم] مشکل می شود و اصل واجب نبودن کفاره، اصلی است قوی [در برابر شهرت].

از این که محقق اردبیلی جبران را مقید کرده و گفته است که: «ولا جابرة فی مثل هذا الحكم» روشن می شود. در برخی موارد، جبران ضعف سند به واسطه شهرت، راه دارد و در برخی موارد نیز، مانند همین موردی که اشاره شد، راه ندارد.

به هر حال، این بودنگاهی به شهرت عملی از دیدگاه محقق محقق اردبیلی.

شهرت فتوایی: فتوایی از فقهای در زمینه حکمی از احکام شرع شهرت یافته باشد، بدون آن که مستند آن معلوم باشد، یا از آن جهت که سندی برای آن حکم نباشد یا بوده، ولی از آن دوری شده است. این گونه شهرت در باب حجّیت اما رات مورد گفت و گوست و

الاختصار علی ما قالوه من مضمون الروایة وهو وجوب البدنة علی العاقد المحل والمعقود لهما الواقعين العالمين والمرأة المحرمة والمحلة العالمّة. وکانه لا اجماع هنا والشهرة لیست بحجة ولا جابرة فی مثل هذا الحكم والأصل دلیل قوی. ۲۳».

این حکم، از اساس مخالف با اصل و قاعده است. علاوه بر آن که این گونه فتوا، دور می نماید و سند هم به خاطر سماعه ضعیف است. اگر گفته شود که سستی سند به واسطه شهرت، در خور جبران است، باید گفت که: در این صورت، فقط باید به مضمون روایت بسنده کرد که: اگر عقد کننده محلّ باشد و آن دو نفری که بر ایشان عقد بسته شده آگاه باشند و در حال احرام آمیزش کنند و زن محرم و یا محل باشد، ولی آگاه باشد، واجب است شتر به عنوان کفاره بدهند. [بنابراین، اگر عقد کننده محرم باشد، به طریق اولی کفاره بر او واجب می شود] ولی چون اجماعی در مسأله نیست و

از حالات و صفات حکم شرعی به شمار می رود، نه اوصاف خبر^{۲۴}.

در مدرک و مستند حجت بودن این گونه از شهرت، چند چیز مورد استناد قرار گرفته است:

۱. فحوای دلیلهای حجت بودن خبر واحد.

۲. مقبوله عمر بن حنظله.

۳. تعلیل درآیه نبا^{۲۵}

و ...

گزیده سخن: این گونه از شهرت، بیشتر در مبادی استنباط فقها قرار گرفته و دیدگاههای گوناگونی نسبت به آن ارائه شده است: گروهی آن را به کلی مردود دانسته اند و گروهی آن را با اجماع، هماهنگ دانسته و بعضی نیز گفته اند:

«مشهور آن است که شهرت فتوایی

حجّت ندارد^{۲۶}».

رسیدن به موضع ثابت و استوار در این زمینه از محقق اردبیلی دشوار است.

ایشان نسبت به شهرت فتوایی، تعبیرها و برداشتهای گونه گونی دارد:

* در برخی از موارد که به بررسی همه جانبه حکم فقهی می پردازد و

دلیلهای آن را بررسی می کند، اگر مستند حکم و فتوا، فقط شهرت فتوایی باشد، آن را نمی پذیرد و با روشنی بیان می دارد: شهرت حجت نیست.

از باب نمونه، در بحث مزد بر اذان گرفتن، عده ای از فقها می گویند دریافت مزد حرام است و این قول، منسوب به مشهور است. ایشان می نویسند: شهرت، حجت نیست.^{۲۷}

* پوشیدن لباس ابریشم بر مردان حرام است، لکن در این مسأله که اگر از آن به عنوان زیر انداز استفاده کند، حرام است یا نه، مورد گفت و گوست. مشهور از فقها بر آنند که به این عنوان، اشکالی ندارد. محقق اردبیلی می نویسند:

«مهم ترین دلیل شهرت است و

شهرت، حجت نیست.^{۲۸}»

* در مسأله آب کر و اندازه آن از دیدگاه شرع، دیدگاهها، گونه گون است: قول مشهور $\frac{3}{5} \times \frac{3}{5} \times \frac{3}{5}$ است. و محقق اردبیلی با استفاده از دلیلهای، قول $3 \times 3 \times 3$ را پذیرفته و نسبت به قول مشهور می نویسند:

«والظاهر ان الاتفاق من القائلین

مسأله تفصیل داده و نوشته :
«اگر در دو رکعت پایانی نماز، این
مشکل پیش آید و بعد از نماز یادش
بیاید، باد و سجده سهو نماز قابل
تصحیح است.»

محقق اردبیلی، این نظریه را
نمی پذیرد و آن را ناسازگار با مشهور می
داند و می نویسد:

«مع المعارضة با شهر و اکثر والشهرة
بین الأصحاب فی الفتوی وبالجملة
المشهور اولی^{۳۰}»

افزون بر دلیلهای دیگر این قول
ناسازگار است با شهرت روایی و
شهرت فتوایی و قول مشهور برتر
است.

* در مسأله زکات، این نکته مورد
گفت و گوست که زکات بر نه چیز تعلق
می گیرد یا بیش از آن؟
قول مشهور، همان موارد نه گانه
است.

قول غیر مشهور بر آن است که بیش
از آن موارد هم، از پاره ای از روایات
استفاده می شود.

محقق اردبیلی پس از بحث و
بررسی گسترده، می نویسد:

بالکسر حصل علی نجاسة مادون
الثلاث وبقی الباقي ظاهر مع تلك
الدلة فتأمل، ولا تقلد فان الشهرة
لا اصل لها...^{۲۹}»

آنچه از میان همه گفته ها به دست
می آید آن است که مقدار آب، اگر
 $3 \times 3 \times 3$ ؛ یعنی ۲۷ وجب کمتر
باشد، با رسیدن چیز نجس به آن
نجس می شود؛ اما مقدار بیشتر از
این را ظاهر دلیلهای نشان می دهد که
در خور تأمل است و این که مشهور
 $3/5 \times 3/5 \times 3/5$ را پذیرفته اند،

نمی توان آن را پذیرفت؛ زیرا
شهرت، اصل و اساسی ندادند.

در مجمع الفائدة از این گونه موارد
فراوان به چشم می خورد که برای
شهرت، اصل و اعتباری باور ندارد.
البته ناگفته نماند که از شهرت، به
عنوان: تأیید کننده و برتری دهنده،
بسیار کمک گرفته که به چند نمونه از آن
بسته می کنیم:

* در بحث زیاد و کم شدن رکن در
نماز، قول مشهور آن است که چه سهوی
باشد و چه عمدی، نماز باطل است.
شیخ طوسی، بر اساس دو روایت در این

می شمرد. در کتاب «صوم» فرعی را فقها مطرح کرده اند:

آیا روزه در سفر جایز است یا خیر؟ مشهور بر آنند که روزه واجب، در سفر حرام است؛ اما در روزه مستحب و نذری اختلاف دارند: بعضی روزه گرفتن در سفر را، اگر شخص نذر کرده باشد، روا دانسته اند و به مشهور نسبت داده اند که روزه نذری مقید به سفر، در مسافرت جایز است.

محقق اردبیلی پس از نقد و بررسی اخبار و روایات، در این باره، می نویسد:

«وبالجملة الخروج عن المشهور بما تقدم مع عدم القائل مشكل وكذا القول به بمجرد هذه الأدلة وقول بعضهم كما قال في المتهى^{۳۴}»

خارج شدن از قول مشهور، به واسطه روایاتی که در برابر قول مشهور بود، در صورتی که قول غیر مشهور، طرفدار نداشته باشد، دشوار است. گرچه پذیرفتن مشهور هم، به صرف این دلایل و به صرف قائل شدن، برخی، چنانکه در متهی آمده، مشکل است.

«وبالجملة تدل على عدم الوجوب في غيرها عشرة (عدة) اخبار فالكثرة وشهرة الفتوى واصل البرائه مرجحة^{۳۱}».

گزیده سخن آن که: بر واجب نبودن بیش از آن موارد نه گانه، اخبار فراوان (یا ده خبر) وجود دارد. همین فراوانی روایات و شهرت فتوایی و اصل براءت، برتری دهنده قول مشهور است.

* در بحث زکات فطره و تعیین چهار مد طعام، دلیلهایی می آورد، از جمله می نویسد:

«... و يدل عليه الشهرة ايضاً^{۳۲}»
* در راست دانستن قول کسی که ادعای فقر می کند و یا می گوید دارائیش از بین رفته، می شود به او زکات داد. به دلیلهایی اشاره می کند، از جمله: حمل کار مسلمانان بر درستی و عموم دلایل، در پایان می گوید:

«والشهرة ايضاً مؤيد^{۳۳}»

محقق اردبیلی، با این که شهرت را حجت نمی داند، موضع گیری در برابر آن را هم روا نمی شمارد و ایستادن در برابر قول مشهور را امری دشوار



* در بحث فقهی، گرفتن جا در بازار و یا مسجد و پیدایش حق اولویت برای شخصی که بر آن مکان پیشی گرفته است، این مسأله مطرح شده که آیا دیگری می تواند، مکان آن اولی را در اختیار بگیرد؟

مشهور بر آنند که حق ندارد و روانیست شهید ثانی می نویسد:

«اگر آن شخص پس از گرفتن جا، از آن جا رفت و مدت زیادی گذشت، کس دیگر می تواند جای او را بگیرد و در غیر این صورت، روا نیست.»

محقق اردبیلی، پس از طرح این مسأله، در رابطه با نظر شهید ثانی، می نویسد:

«وفیه تأمل اذ الخروج - من الامر الثابت بالنص مع الشهرة العظيمة واستحسان العقل، بمجرد طول الزمان فضلاً عن قصره ووجود الفرجة التي منهى تركها كذلك على الحضار مع الاختيار نهى كراهية - مشکل ۳۵.»

در کلام شهید، جای درنگ است؛ زیرا بیرون رفتن از چیزی که به دلیل نص ثابت است و با شهرت و عقل

موافق، به خاطر این که مثلاً شخصی در نماز مکانش را ترك کرده به مدت طولانی (چه رسد که کم باشد) و به واسطه فاصله ای که بین دو نفر در صف پیدا می شود (که این فاصله مورد نهی کراهتی قرار گرفته) این خروج امری است دشوار.

در این جا، وجود شهرت فتوایی برای محقق اردبیلی مشکل آفرین شده و به آسانی نتوانسته است در برابر مشهور بایستد.

افزون براین، در برخی از موارد، به استناد همین مشهور و بدون استناد به دلیل دیگر، فتوا نیز داده و یا دست کم، قول مشهور را با سکوت پذیرفته است:

* در مسأله کیفر شخصی که عمل زشت لواط را انجام داده است می نویسد:

«وبالجملة ما وجدت خبراً صحيحاً صريحاً على الحكم المشهور في الموقب بل على قتل الفاعل محصناً او غير محصن ايضاً ولكن الحكم مشهور ۳۶»

خلاصه آن که: خبر درست و روشنی نیافتم بر حکم مشهور در

و با چهارده دلیل قول مشهور را رد می کند و در پایان می نویسد:

«وبالجملة مانرى له دليلاً قوياً الا انه مشهور»^{۳۸}

گزیده سخن آن که: دلیل قوی و محکمی بر این فتوا نیست جز آن که مشهور است.

با اینکه در برابر مشهور، دلیلهای روشن و در خورد اعتمادی را ارائه می دهد، لکن جرأت و شهامت موضع گیری صریح در برابر آن را نشان نمی دهد.

از سوی دیگر، در لا به لای مباحث فقهی ایشان، به موارد بر می خوریم که نه تنها به قول مشهور فتوا نمی دهد، بلکه با صراحت در برابر آن موضع می گیرد و آن را از گردونه استدلال خارج می سازد؛ مثلاً در مساله تیمم، فقها می گویند اگر شخصی تیمم کرد و پس از آن آب پیدا شد، تیمم باطل است و باید با وضو وارد نماز شود و اگر نماز را با تیمم شروع کرد و پس از آن، آب پیدا نشد، نباید آن را به هم زند و لازم است، نماز را با تیمم تمام کند. در برابر این قول مشهور، نظر

رابطه با شخص لواط کننده [پرت کردن از کوه، یا آتش زدن یا گردن زدن] بلکه بر کشتن این شخص چه محصن باشد و چه غیر آن نیز، دلیلی نیافتیم و لکن این حکم مشهور است. وی تصریح می کند که هیچ دلیل روشنی بر حکم نیست، اما مشهور است و در برابر مشهور موضع نمی گیرد و در ضمن آن را نیز می پذیرد.

* در مساله خرید و فروش کنیز آوازه خوان که آیا رواست یا نه می نویسد:

«وما رأيت رواية صحيحة صريحة

في التحريم ولعل الشهرة تكفي مع الاخبار الكثيرة»^{۳۹}.

روایت درست و روشنی در حرام بودن فروش آن [کنیز آوازه خوان] ندیدم و شاید شهرت با کمک اخبار فراوان، در این مساله، بسنده کند.

* در شمارش ارکان تجارت، سه چیز را نام می برد: عقد، دو طرف عقد، دو عوض. آن گاه، در تعریف عقد به قول مشهور اشاره می کند که گفته اند: صیغه وواژه مخصوص در عقد لازم است، مانند: بعت و اشتريت. سپس به نقد و بررسی این قول می پردازد



به هر حال، گرچه مشهور بر آن است که سرگین و ادرار این گونه حیوانات پاك هستند، اما درباره پاکی ادرار آنها، قول مشهور را نمی پذیرد و این گونه جمع بندی می کند:

«وفى البول اشكال لان الاصل مندفع بالاخبار المعتبرة والخرج غير ظاهر فلا يخالف السهلة والشهرة لاتنفع معها...»^{۴۰}.

در پاکی بول [اسب، الاغ و...] اشکال است؛ زیرا استدلالی به اصل پاك بودن، با وجود اخبار مورد اعتبار و اعتماد، درست نیست. با ناپاك دانستن ادرار این حیوانات، حرج و مخالفت با آسان گیری دین هم ایجاد نمی شود. شهرت هم، با وجود این اخبار معتبر، سودی ندارد.

* در بحث فقهی گسترده امام و ماموم در نماز جماعت، فروع فراوانی مورد بررسی قرار گرفته است. از جمله: جای نماز امام، نباید بلندتر از جای ماموم باشد؛ زیرا در این صورت، برابر نظر مشهور، نماز امام باطل خواهد بود.

محقق اردبیلی، در این جا نیز، با

دیگری است که اگر پیش از رکوع، آب پیدا کرد، می تواند نماز را به هم بزند و با وضو نماز بخواند.

محقق اردبیلی، به چند دلیل قول مشهور را تقویت و تأیید کرده و در پایان مینویسد:

«فلا ينفع الشهرة فى مثله»^{۴۱}

در این موارد، شهرت سودی ندارد. از آن جا که بر قول غیر مشهور، روایات صحیحه فراوانی وجود دارد و این روایات، مقیدند و مفصل. در برابر روایاتی که مستند قول مشهورند، اجمال و اطلاق دارند.

و نیز تیمم، طهارت ضروری است که تا هنگام ضرورت اعتبار دارد و... ایشان در این گونه موارد، شهرت را کارا نمی داند و بر خلاف آن به روشنی فتوا می دهد.

* در بحث نجاسات، هنگامی که ادرار و مدفوع را از جمله آن می شمرد، در بحث از سرگین و ادرار حیواناتی مانند: اسب و الاغ که مشهور آنها را پاك می دانند، پاکی ادرار آنها را مورد اشکال قرار می دهد، به دلیل روایات معتبره و صحیحه که به ناپاکی آن تصریح دارند.

مشهور هماهنگ نیست.

و در حکم و فتوای آنان درنگ می‌کند:

«ولكن الرواية ليست بصحيحة وفي متنها ايضا خفاء ما . فتأمل في الحكم بالتحريم والبطالان بمثلها وان كان مشهوراً...»^{۴۱}

روایتی که مورد استناد قرار گرفته، تمام نیست. متن روایت نیز، گویا و روشن نیست، بنابراین، درباره حرام و باطل بودن باید درنگ کرد، گرچه مشهور بر آنند...

در برخی از موارد، واقع نگری او در برابر سخن مشهور، سبب می‌شود که فتوا بر خلاف مشهور بدهد. به یک نمونه از این موارد توجه کنید:

فقه‌ها در بحث ضمان، مسأله‌ای را عنوان کرده‌اند که اگر پزشکی پیش از انجام کار پزشکی، از مریض و یا وابستگان او اجازه گرفت و پس از انجام کار و یا در هنگام آن، مریض از دنیا رفت، آیا ضامن است یا خیر؟

قول مشهور و مشهورتر^{۴۲} آن است که چون کار او بسان عمد است و از بین بردن، مستند به کار او شده،

ضامن است.

ابن ادریس مینویسد:

«ضامن نیست، چون: نخست آن

که: ضامن نبودن، برابر اصل است.

دو آن که: اجازه گرفته است.

سه آن که کار پزشکی، کاری است

از دیدگاه شرع، جایز، بلکه واجب.

محقق اردبیلی، پس از عنوان کردن این

مسأله، در پایان می‌نویسد:

«... نعم ان ثبت الاجماع فهو الحجة

والا فالالحق مع ابن ادریس والاجماع

لما عرفت فيه»^{۴۳}

آری، اگر اجماع بر ضمان وجود می

داشت، این قول پذیرفتنی بود. و

چون اجماعی نیست، پس حق در

این مسأله با ابن ادریس است

[پزشک، ضامن نیست].

پس از این که نظر فقهی خود را

ارائه می‌دهد، به نکته‌ای اشاره می‌کند

که نشان‌دهنده واقع نگری و توجه همه

سویه او، به پیامدهای فتواهایش است:

«لان العلاج وامثال ما ذكرناه مما

يحتاج اليه فلولم يكن الاذن موجبا

لدفع ذلك واسقاطه لتعذر

العلاج»^{۴۴}



با توجه به موضع گیریهای گوناگون محقق اردبیلی درباره شهرت فتوایی، دست یابی به راه حلّ و راه جمعی روشن و قطعی، دشوار است، لکن به نظر می رسد از دو راه، بتوان پاسخی روشن و راهی میانه در بین کلمات ایشان جست:

۱. در مواردیکه ایشان با روشنی و

بی تردید، در برابر شهرت می ایستد و آن را از مدار حجت بودن خارج می سازد و گاهی نیز، بر خلاف آن فتوا می دهد، هدف وی، شهرتی است که

مدلول آن، مخالف قواعد فقهی و ظهور دلیلهای بوده است و در برابر آن، دلیلهای

حجتهای شرعی دیگری وجود داشته است که نیازی به شهرت و استناد به آن نمی دیده است. به همین جهت، حجت

نبودن آن را در برخی از تعبیرها این گونه یاد کرده است: «فلا ینفع الشهرة فی مثله»^{۴۵} و یا «والشهره لا تنفع معها»^{۴۶}

یعنی با وجود اخبار و دلیلهای استوار در برابر قول مشهور، اعتمادی به قول مشهور نیست. از سوی دیگر، در

مواردی که خارج شدن از شهرت را امری دشوار دانسته و موضع گیری در

زیرا درمان، از اموری است که همگان به او نیازمندند. اگر اجازه در این گونه موارد، سبب برداشتن ضمان از عهده پزشک نباشد، بسیاری از دردها به درمان نمی رسد و بسیاری از پزشکها هم، دست به چنین کارهایی نخواهند زد.

جمع بندی

تا این جا روشن شد که دیدگاه محقق اردبیلی در رابطه با شهرت یکسان نیست:

۱. با روشنی اعلام می دارد که شهرت حجت نیست.

۲. در بسیاری از موارد، از آن به عنوان تأیید کننده و برتری دهنده یاد می کند.

۳. خارج شدن از شهرت و موضع گیری در برابر آن را نمی پذیرد و آن را دشوار می شمرد.

۴. به استناد قول مشهور، فتوا می دهد و یا دست کم در برابر آن سکوت می کند.

۵. بر خلاف فتوای مشهور، فتوا می دهد و شهرت را ردّ می کند.

المشهور... ۴۷

گزیده سخن: به هر حال ظاهر بودن
دلیل‌های حرام بودن گمشده در حرم
و مالک نشدن آن است، آن گونه که
محقق ثانی گفته است. و این قول را
نیز سخن مشهور شمرده است.
بنابراین، سخن شهید در دروس که
فتوا به کراهت مالک شدن در مال
اندک گمشده حرم داده، فتوایی دور
می‌نماید و افزون بر آن، خلاف
مشهور نیز هست.

در این جا، قول مشهور را تقویت
کرده و فتوای خلاف آن را نپذیرفته
است. در جاهای دیگر نیز، شهرت را با
احتیاط در آمیخته و بر اساس آن، فتوا
داده است. در بحث وقت شرعی نماز
مغرب، قول مشهور آن است ناپدید
شدن سرخی که در جانب مشرق است
(ذهاب الحمرة المشرقية) نشانه غروب
شرعی است و می‌توان بر اساس آن نماز
گزارد محقق اردبیلی، در این مسأله با
بررسی همه جانبه دلیلها و نقد قول
مشهور پرداخته و ناپدید شدن خورشید
را کافی دانسته، ولی در پایان، دو مرتبه
به همان سخن مشهور گرایش پیدا کرده

برابر آن را یا به سکوت وانهاد و یا
بر اساس قول مشهور فتوا داده است، آن
مواردی بوده که: شهرت را هماهنگ با
احتیاط عملی دیده است و یا به دلیل‌های
دیگری دست یافته که او را بر اعتماد به
قول مشهور، کمک می‌کرده است.
گزیده سخن: روحیه احتیاط‌گرایی وی
و نیز احتمال مستند بودن قول مشهور به
دلیل‌های استوار و مستحکم، ایشان را واداشت
که از شهرت پیروی و حکم را
مستند به آن سازند. به چند نمونه از
اینگونه بسنده می‌کنیم:

* فقیهان در بحث لقطه حرم [آنچه
که در خانه خدا مکه معظمه پیدا
می‌شود] بحث‌های گسترده‌ای دارند.
بعضی، به ملک در آوردن آن را مطلقاً
حرام شمرده و برخی ماه اندک را مکروه
و بیشتر را حرام دانسته‌اند. محقق
اردبیلی، در جمع بندی نهایی این مسأله
جانب مشهور را گرفته و می‌نویسد:

«وبالجملة الظاهر تحريم لقطه الحرم
وعدم تملكها كما قال الشيخ على
وقال انه المشهور ولا شك انه
احوط، فقول الدروس بعدم الكراهة
في القليل في الحرم، بعيدو خلاف



و آن را با احتیاط نزدیک تر دیده است:

«فالاستدلال بمثل هذا المفهوم فی
مقابل تلك مشکل نعم انه مشهور
الاحتیاط معه. ۴۸»

بنابراین، استدلال به این مفهوم
[حمره مشرقیه] در برابر دلیلهای،
دشوار است. آری، این سخن
مشهور است و احتیاط عملی رعایت
قول و فتوای مشهور است.

در این گونه موارد، گرچه با
بررسیهای فراگیر و منطقی، بستر فتوای
بر خلاف مشهور را فراهم ساخته و راه را
برای پژوهشگران گشوده و زمینه نقد
علمی سخن مشهور را آماده کرده است،
اما خود، قول مشهور ابا احتیاط در
آمیخته و آن را مستند فتوا قرار داده
است.

به هر حال، یکی از راههای جمع،
به نظر ما این بود که بدان اشارت کردیم
تا چه قبول افتد و چه در نظر آید.

۲. راه دیگری که میتوان برای
جمع گفته های محقق اردبیلی در رابطه با
شهرت، از آن سود جست و آن را در دید
قضایوت و بررسی پژوهشگران قرار داد،
این است که: شهرت در یک نگرش کلی

و بازویه ای دیگر، از دید فقهای شیعه
در بستر تاریخی فقه و فقاہت به دو
بخش تقسیم می شود:

الف. شهرت پیش از زمان شیخ
طوسی.

ب. شهرت پس از زمان شیخ که
به وی نسبت داده می شود.

شهرت به معنای نخست را تقریباً
همه فقها پذیرفته اند و آن را هماهنگ با
اجماع از دیدگاه استدلالی می شمردند و
می گویند: همان معیاری که در اجماع
وجود دارد، در اینگونه شهرتها (که به
اصطلاح شهرت بین قدما معروف
است) نیز موجود است. اما شهرتی که
پس از شیخ بر سر زبانها افتاده و
درنوشته ها آمده، آن است که شیخ
طوسی براساس اجتهاد خود فتوایی را
بیان کرده و پیروان ایشان هم، آن را
پذیرفته اند و برای آیندگان نقل کرده اند
که کم کم، عنوان شهرت به خود گرفته
است.

این گونه شهرت را بسیاری از
فقهای پسین رد کرده و آن را گونه ای
تقلید از شیخ شمرده اند صاحب معالم،
از جمله شاگرد برجسته محقق اردبیلی،

در این باره می نویسد:

«آن شهرتی که مفید گمان قوی است

و در نتیجه، شایستگی جبران ضعف

روایت را دارد، شهرت پیش از زمان

شیخ طوسی است و اما شهرتی که

پس از عصر شیخ، تحقق یافته و در

سخنان علما ادعا شده، غیر درخور

اعتماد و استناد است، زیرا چنانچه

پدرم در کتاب: «الرعاية فی علم

الدراية» بیان کرده، بیشتر فقهای

پس از عصر شیخ روی کار آمده اند،

در فتوا و رای، به خاطر اعتقاد زیاد و

گمان نیکی که به شیخ داشته اند،

از او پیروی و تقلید می کردند و

اساس و مصدر این شهرتهای پس از

عصر شیخ، به یک نفر می رسد که

خود شیخ باشد، بنابراین، اعتبار و

اعتمادی به این شهرتها نیست»^{۲۹}

واقعیت انکار ناپذیر آن است که

در تاریخ فقه شیعه، پس از زمان شیخ

طوسی، تا مدتها، مدار فهم و اجتهاد،

دقت در مبانی شیخ طوسی بوده، تا آن

جا که، سید بن طاووس از جدش، ورام

بن ابی فراس، حکایت می کند که شیخ

محمود حمس، به وی گفت:

«انه لم یبق للامامية مفت علی

التحقیق بل کلهم حاک»^{۵۰}.

در میان علمای شیعه، صاحب

فتوای محقق نبود، بلکه همه

حکایت گر فتوای شیخ طوسی

بودند.

البته معنای این سخن آن نیست که

فقهای پس از شیخ بر آرا و فتوای فقهی

خود استدلال و برهانی اقامه نمی کردند

و بی مدرک فتوا می دادند، بلکه منظور

این است که:

موارد اجتهاد و استدلال پس از

شیخ، تا مدتهای زیادی در دایره افکار و

آرای شیخ طوسی بوده و تلاش برای

نقد و بررسی آن افکار و یا یافتن فکری و

اجتهادی نو، کم تر انجام می گرفته

است، تا این که ابن ادریس به میدان

تحقیق و پژوهش قدم نهاد و با دفتهای

موشکافانه و ژرف، راهی برای بررسی

و نقد سخنان شیخ طوسی گشود^{۵۱} این

تقسیم بندی شهرت، در دو بستر

تاریخی که در کلمات فقهای پسین به

چشم می خورد، در نظر فقهای معاصر

نیز، مورد تأیید و تقویت قرار گرفته و

پذیرفته شده است.



بذلک، وبعضها تفریعات تستنبط من
تلك الاصول باعمال الاجتهاد،
ولا يكون الاجماع فيها فضلاً عن
الشهرة مغنياً عن الحق شيئاً^{۵۲}.

گزیده سخن این که: مسائل فقه بر
دو گونه اند: پاره ای از آنها اصول و
قواعدی هستند برگرفته از
معصومان(ع) که در نوشته های
فقهائ پیشین گرد آمده و اجماع و
شهرت در آنها حجت شرعی است،
زیرا سخن معصوم(ع) را نشان
می دهند.

و پاره ای از مسائل هم به عنوان فرع
سازی از راه استنباط و اجتهاد
شهرت یافته که در این گونه مسائل،
اجماع فقها حجیت ندارند، تا چه
رسد به شهرت آنان.

امام خمینی(ره) نیز با شرح بیشتر،
این دیدگاه را به بوته بررسی گذارده و در
نوشته های اصولی خویش، به تبیین آن
پرداخته است. از جمله می نویسد:

«بدان که شهرت در فتوا دو گونه
است: شهرت پیش از زمان شیخ
طوسی و پس از آن، شهرتی که
فقهائ پسین برآند، آن شهرتی است

آیه الله بروجردی، این تقسیم بندی
را با اصطلاحی که خود به وجود آورده
مورد بررسی قرار داده و آن را پذیرفته
است.

ایشان، بر این باور است: آنچه از
مجامع روایی در بین ما موجود است،
همه آن چیزی نیست که از معصومان(ع)
به ما رسیده، بلکه جوامع روایی دیگری
نیز وجود داشته که فقیهان پیشین، آنها را
در نوشته های خود، از پیشوایان دین(ع)
گرفته اند، که آنها را اصول متعلقات
می نامند. این اصول، مشهورند و
حجت، در برابر، پاره ای از شهرتهاست
که در مسائل تفریعی فقهی رخ داده و از
اجتهاد و استنباط فقیهان برخاسته است.
این گونه شهرتها در خور اعتماد نیستند و
با شهرت آغازین، همسویی و هماهنگی
ندارد:

«فتلخص مما ذكرنا ان مسائل الفقه
على قسمين: فبعضها اصول متلقاة
عنهم عليهم السلام وقد ذكرها
القدماء في كتبهم المعدة لنقلها،
ويكون اطباهم في تلك المسائل بل
الاشتهار فيها حجة شرعية
لاستكشاف قول المعصوم(ع)

که در تفریع فروع فقهی پیدا شده و حجت نیست و دلیلی نیز بر حجت بودن آن وجود ندارد.

آنچه هم که به عنوان دلیل بر آن اقامه شده، از قبیل: فحوای دلیلهای حجت بودن خبر واحد، یا تنقیح مناط، یا تعلیل آیه نبأ، دلالت مقبوله و یا تعلیل آن بر حجت بودن شهرت، هیچ کدام، پذیرفته نیستند.

و اما شهرتی که در بین اصحاب پیشین و پیشینیان از فقها به چشم می خورد، آن است که: روش آنها در ضبط و حفظ مطالب دینی آن بوده که آنچه از نوشته های برگرفته شده از سخنان معصومان (ع) می گرفته اند، بدون دگرگونی در کتابهای خود می نوشته اند و روش آنها در استنباط مسائل فقهی، با روش فقهای پسین، به کلی فرق داشته است، آن گونه که در آغاز کتاب مبسوط شیخ طوسی، به این مطلب تصریح شده است.

این گونه شهرتها، هم حجت شرعی هستند و هم نشانگر وجود دلیل معتبری هستند که آنان به آن دست یافته اند.

گزیده سخن آن که: این گونه از شهرت، مانند اجماع است از لحاظ معیار، بلکه می توان گفت: اجماع جز این چیزی نیست. بنابراین، شهرت پسینیان، مانند اجماع آنها حجت نیست و نمی توان تنها براساس آن فتوایی را استوار ساخت^{۵۳}.

با کندوکاو و دقت در کلمات محقق محقق اردبیلی می توان به این تقسیم بندی از دیدگاه ایشان نیز دست یافت و به گونه ای برای تعبیرهای گوناگون ایشان درباره مسأله شهرت، راه جمعی جست.

* در مسأله نماز مسافر و این که آیا آغاز مسافت شرعی، پیدا نبودن دیوار و شنیده نشدن اذان محل اقامت است؟ یا اینکه اگر یکی از آن دو انجام یافت، کافی است؟ دو دیدگاه است:

یکی مشهور بین پیشینیان و دیگری مشهور بین پسینیان است.

محقق اردبیلی با اشاره به این دو گونه شهرت، شهرت پیشینیان را بر شهرت فقهای پسین، پیش می دارد و می نویسد:



مقدار داخل می شود. افزون بر این که فقهای پیشین به فهم اخبار و احکام آشناتر بودند، چون که به منابع و مآخذ نخستین نزدیک تر بودند.

بنابراین، از مجموع این سخنان محقق می توان برداشت کرد که ایشان شهرت پیشینیان اصحاب را که پیش از شیخ می زیسته اند، پذیرفته و در مقایسه با شهرت پس از شیخ، آن را مقدم می دارد و آن را با اصول و قواعد سازگارتر می بیند.

گذشته از این، می توان ادعا کرد که از ظاهر برخی از سخنان ایشان پیداست که شهرت و حتی اجماع پسینیان را تضعیف کرده و در پرده ای از ابهام و تردید قرار داده است.

در بحث قبله و این که اشخاص نزدیک و دور چگونه باید به هنگام نماز، قبله را رعایت کنند، بخشهای گسترده و پیچیده را فقها مطرح کرده اند، از قبیل ملاکهایی که به علم هیئت مربوط می شود و تحصیل آن ملاکها به گفته محقق اردبیلی برخواص دشوار است تا چه رسد به عوام و عمری دراز لازم

«هو المشهور بین المتأخرین، والاكتفاء باحدهما هو المشهور بین اکثر المتقدمین علی ما قیل، فکانه اظهر، لصدق الضرب علی الارض، والسفر والمخرج من بیهة؛ فیدخل بخفاء احدهما تحت ادلة القصر: من الآیة والاخبار؛ ولانهم اعرف بالاخبار والاحکام، لکونهم اقرب الی المآخذ...»^{۵۴}

پیدا نبودن دیوار و نشنیدن اذان، هر دو به عنوان آغاز مسافت شرعی قولی است که در بین فقهای پسین شهرت یافته است و بسنده کردن به یکی از آن دو، نظری است که بیشتر فقهای پیشین بر آنند. گویا این قول دوم [شهرت پیشینیان] با دلایلها سازگارتر و ظاهرتر است؛ زیرا:

حرکت از مبده به سوی مقصد، با نشنیدن اذان محل اقامت و نیز خارج شدن از آن محل، با این مقدار از مسافت، سازگار است؛ بنابراین، (با پیدا نبودن و دیواره شنیدن نشدن اذان) این موضوع در دلایلهایی که نماز را در مسافت به قصر تبدیل می کند (چه آیه و چه روایات با این

است، تأدیمی به آن علوم دست یابد.
در پایان بحث گسترده فقهی و فنی
اظهار می دارد:

«من مسأله قبله و تعیین آن را
آسانترین چیز می بینم آن گونه که
ظاهر آیات قرآن کریم بر آن دلالت
دارند:

۱. فاینما لولوا فثم وجه الله.

۲. ... و شطر المسجد الحرام.

۳. وسنت شریف: ما بین مشرق و
مغرب، قبله است.

۴. شریعت آسان و آسان گیر

۵. نبود چیزی که شایستگی دلیل
بودن را داشته باشد.

اگر ترس از مخالفت با مشهور نبود،
به ظاهر آیه شریفه: شطر المسجد

الحرام، بسنده می کردم ۵۵»

مسأله قبله را در کتاب زیادة البیان

فی احکام القرآن نیز، به گونه ای گستره
مورد بحث و بررسی قرار داده، سپس از
مجمع البیان، جمله ای به این گونه نقل
می کند:

«وهذا موافق لما قاله اصحابنا ان

الحرم قبله من نای عن الحرم من اهل
الافاق ۵۶»

[کعبه، قبله کسانی است که در
داخل بیت باشند و بیت، قبله
اشخاصی است که در حرم باشند و
حرم قبله کسانی است که دور از
کعبه و بیت زندگی می کنند] و همین
سخن، موافق آن چیزی است که
اصحاب گفته اند: حرم قبله کسانی
به شمار می رود که در سراسر جهان
زندگی می کنند و از حرم دورند.

محقق اردبیلی، بر این باور است

که سمت و سوی عرفی به جانب

مسجد الحرام داشتن کافی است و این

دقتها، لازم نیست؛ از این روی، بر

گفته اصحاب که در مجمع البیان

طبری حکایت شده اشکال می گیرد و

می نویسد:

«لعله يريد بعض الاصحاب

وهو الشيخ ومن تبعه وقد ضعفه

المتأخرون اذ دليله بعض الروايات

الغير الصحيحة ۵۷»

شاید طبری مراد و مقصودش از

کلمه اصحاب، گروهی از آنان باشد

که شیخ طوسی و پیروانش هستند و

فقهایی پسین قول این بعض؛ یعنی

شیخ و پیروان او را ضعیف



پی نوشتها:

۱. «الدراية»، فی علم مصطلح الحديث، شهید ثانی
۲۷، فیروز آبادی.

۲. همان مدرک، ۲.

۳. «مصباح الاصول» سید ابوالقاسم خویی، تقریر
محمد سرور بهبودی ج ۲/ ۱۴۱ و ۲۰۱، چاپ
نجف.

۳. «مستدرک الوسائل»، میرزا حسین نوری،
ج ۱۷/ ۳۰۳، مؤسسه آل البيت، قم.

۴. «وسائل الشیعه»، شیخ حر عاملی ج ۱۸/ ۷۶،
دار احیاء التراث العربی بیروت.

۵. «مباحث الاصول»، شهید صدر، تقریر سید کاظم
حسینی حائری، تقریرات درس شهید صدر، جزء
دوم از قیسم اول / ۳۰-۳۲۵، «مصباح الاصول»
ج ۲/ ۱۴۵-۱۴۱.

۶. «مجمع الفائدة والبرهان فی شرح ارشاد الاذهان»
محقق اردبیلی، ج ۹/ ۲۱۳؛ ج ۱۱/ ۴۵۵-۴۵۰؛
ج ۴/ ۴۱. انتشارات اسلامی، وابسته جامعه
مدرسین حوزه علمیه قم.

۷. همان مدرک، ج ۳/ ۸۵.

۸. «مصباح الاصول» سید ابوالقاسم خویی،
ج ۲/ ۱۴۳؛ «اصطلاحات الاصول»، علی
مشکینی، ۱۵۳.

۹. «مصباح الاصول» سید ابوالقاسم خویی، ج ۲/ ۱۴۳
و ۲۰۱.

۱۰. «مجمع الفائدة والبرهان»، ج ۱/ ۸۹.

۱۱. همان مدرک، ۱۸۰.

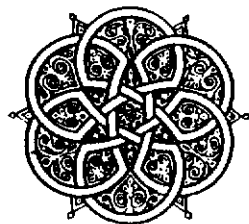
۱۲. همان مدرک، ج ۷۴۹۶.

۱۳. همان مدرک.

شمرده اند؛ زیرا دلایلهای شیخ در
پاره ای فتاوایش روایات نادرست
و ضعیف بوده است.

از این بیان روشن می شود که
محقق اردبیلی، همان گونه در گفته های
شاگردش، صاحب معالم به روشنی پیدا
بود، شهرت پسینیان از زمان شیخ را
نمی پذیرد و حتی آن را ضعیف می داند.
البته این که تعبیر به «بعض
الأصحاب» کرد، اشاره به این است که
این مسأله اجماعی نیست آن گونه که از
ظاهر سخن امین الاسلام طبرسی بر
می آید، بلکه مشهور است و شهرت
فتوایی پس از زمان شیخ هم به تنهایی در
خور اعتماد و اعتبار برای استناد و فتوا
نیست.

بدینسان می توان گفت دومین راه
جمع آن است که موافقت و مخالف
محقق و مقدس اردبیلی نسبت به
شهرت، ناظر به شهرت پیش از زمان
شیخ طوسی و پس از آن است.



- ١٤ . همان مدرک، ج ٤/٢٦٨ و ٩٩ .
- ١٥ . همان مدرک .
- ١٦ . همان مدرک، ج ١/٢٢٧ و ٣٣٩ .
- ١٧ . همان مدرک .
- ١٨ . همان مدرک، ج ١٢/١٠ .
- ١٩ . همان مدرک، ج ٧/٥٢٦ .
- ٢٠ و ٢١ . همان مدرک، ج ٣/٨٥ و ١٨٥ .
- ٢٢ . همان مدرک، ج ١٣/٣٦٧ .
- ٢٣ . همان مدرک، ج ٧/٣١ .
- ٢٤ . اصطلاحات الاصول، ١٥٣ .
- ٢٥ . مصباح الاصول سيد ابوالقاسم خویی، ج ٢/١٤٦ .
- ٢٦ . علم اصول الفقه فی ثوبه الجديد، محمد جواد مغنیه / ٢٣٢٢ ز دارالعلم للملایین، بیروت .
- ٢٧ . مجمع الفائدة والبرهان، ج ٨/٩١ .
- ٢٨ . همان مدرک، ج ٢/٨٥ .
- ٢٩ . همان مدرک، ج ١/٣٦١ .
- ٣٠ . همان مدرک، ج ٣/٨٥ .
- ٣١ . همان مدرک، ج ٤/٤١ .
- ٣٢ . همان مدرک، ج ٤/٢٥٤ .
- ٣٣ . همان مدرک، ج ٢/١٩٢ .
- ٣٤ . همان مدرک، ج ٥/٢٢٩ .
- ٣٥ . همان مدرک، ج ٧/٥١٢ .
- ٣٦ . همان مدرک، ج ١٣/١٠٧ .
- ٣٧ . همان مدرک، ج ٨/٥٦ .
- ٣٨ . همان مدرک، ج ١/١٤٢ .
- ٣٩ . همان مدرک، ج ١/٢٤٢ .
- ٤٠ . همان مدرک، ج ١/٣٠١ .
- ٤١ . همان مدرک، ج ٣/٢٨١ .
- ٤٢ . همان مدرک، ج ٢٣/٣٨٠ .
- ٤٣ . همان مدرک، ج ١/٣٨١ .
- ٤٤ . همان مدرک، ج ٩/٣٧٩ .
- ٤٥ . همان مدرک، ج ١/٢٤٠ .
- ٤٦ . همان مدرک، ج ١/٣٠١ .
- ٤٧ . همان مدرک، ج ١٠/٤٥٥ .
- ٤٨ . همان مدرک، ج ٢/٢٢؛ «زبدة البيان»، ٥٧ .
- ٤٩ . «معالم الدين»، ١٧٦ - ١٧٧ . انتشارات اسلامی، وابسته به جامعه مدرسين، قم .
- ٥٠ . «الدراية فی علم مصطلح الحديث»، شهيد ثاني، ٢٨، انتشارات فيروز آبادی .
- ٥١ . «البدر الزاهر فی صلوة الجمعة والمسافر»، حسينعلی منتظری، / ١٠، انتشارات دفتر تبليغات اسلامی .
- ٥٢ . «انوار الهدايه فی التعليقة على الكفاية»، ج ١/٢٦٢ .
- ٥٣ . «مؤسسة تنظيم و نشر آثار امام خميني» .
- ٥٤ . «مجمع الفائدة والبرهان»، ج ٣/٣٩٧ .
- ٥٥ . همان مدرک، ج ٢/٥٩ .
- ٥٦ . «زبدة البيان فی احكام القرآن»، ٥٧ .
- ٥٧ . همان مدرک .